



## دوردور

تصمیم گرفته بودم به عنوان یک گزارشگر شگر بروم آمریکا و جام جهانی را گزارش کنم. پس با کلی مدارک جعلی، خودم را به عنوان نماینده ایران برای توافق آتش بس معرفی کردم تا وارد آمریکا شوم. به محض ورود به آمریکا، من را جدی گرفتند و بردند اتاق بیضی ترامپ. البته من هندسه این مکان و به ویژه خود ترامپ را نگذاشتم بیضی بماند و خودم کشیدم نقشه اتاق و مذاکرات را. داشتیم نخودچی کشمش می خوردیم و ترامپ را به دود سیگار «بهمن» عادت می دادم که صدای شعار ایرانی های مقیم آنجا آمد. رفتیم پشت پنجره کاخ سفید، ولی صدا بود. تصویر نبود. زدم پس کله ترامپ تا تصویر بیاید، ولی خبری نشد! نگو رفته بودند پشت کاخ سفید که اصلا پنجره ندارد! این ایرانی های آنجا همیشه راه را اشتباه می روند! من و ترامپ هم از همان لبه پنجره برای خلبان هلی کوپتر که خسته راه ونزوتلا بود، دست تکان دادیم که بیاید پایین و ما را برساند بالای پشت بام تا برای ایرانی های آن ور ساختمان دست تکان دهیم. سوار شدیم، ولی جا تنگ بود. خب مادورو عجیب گنده است! ترامپ از خلبان شاکتی شده که چرا مادورو را پیاده نکردی که خلبان گفت: «مادورو خواست ما دوردور!» من که فکر می کردم این بازی های زبانی بی مزه فقط مختص طنزهای مکتوب ایرانی است، ولی دیدم نه، خلبانان هم با ترامپ شوخی دارند که

فقط همین قدرش قابل بیان است! خلاصه روی پشت بام پیاده شدیم و هلی کوپتر دور شد، ولی صدایش واضح می آمد! دیدیم یک هنرمند معروف تقلید صدا روی پشت بام کاخ سفید دارد صدای هلی کوپتر درمی آورد! گفتم: «شما کجا، اینجا کجا؟!»، گفت: «دیدم هنرمندا می آن اینجا از کاخ سفید پول می گیرن و از ربع پهلوی حمایت می کنن، من هم دیدم توی ایران هوش مصنوعی و پهپادای بدون صدا، کاروکاسی م رو کساد کرده، گفتم بیام اینجا کاسی کنم. گاهی هم وقتی ترامپ خوابه، صدای هلی کوپتر و نزوتلا رو براش بازسازی می کنم!» ترامپ گفت: «وااای! رؤیا حقیقت داشت! هلی کوپتر و نزوتلا یک فرشته بود که به کمک آمریکای بزرگ آمد! تو فرشته است!» هنرمند تقلید صدا خندید و گفت: «من؟! ولی... با خودش فکر کرد و سپس با صدای زنا نه مثل فرشته ها گفت: «ترامپ تعظیم کن! تو برگزیده ای!» هم زمان علاقه مندان ترامپ با سابقه دیوارنوردی کنگره، داشتند از کاخ سفید بالا می آمدند. علاقه مندان ترامپ که هر کدام یک ایرانی کول کرده بودند، وقتی رسیدند پشت بام و دیدند ترامپ به او تعظیم کرده است، مطمئن شدند که یک مراسم معنوی در جریان است و آن ها هم تعظیم کردند! ایرانی های سلطنت طلب آنجا هم که دیدند ترامپ به شاهی دیگر تعظیم کرده است، به اختلاف نظر افتادند!

(ادامه دارد...)



۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۰



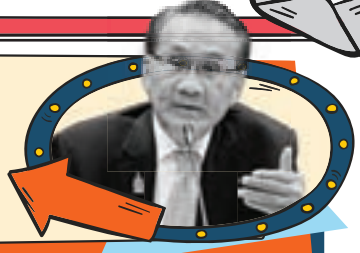
## ایچور مگتن



وزیر امور خارجه تایلند:

از چین خواستیم تا از ایران مجوز عبور هشت کشتی ما را از تنگه هرمز بگیرد، ولی گفتند در تلاش برای آزادی هفتاد کشتی خودشان هستند!

(انتخاب)



یک جاعل غیر حرفه ای اسکناس:  
به مغازه سوپرمارکت گفتم این تراول ۱۲۰ هزار تومنی رو می تونی برام خرد کنی؟ گفت: شرمنده، من فقط دوتا تراول ۷۰ هزار تومنی دارم!

یک دانشجو:  
سر امتحان به دوستم گفتم اگه ریاضی زیاد خوندی، به منم تقلب برسون. گفت: مگه امروز امتحان فارسی نداشتیم؟!

یک مریض قبل از فوت:  
به جراح گفتم دفعه دوممه دارم عمل قلب باز می کنم، یک چیزی بگیرم. روحیه بگیرم. گفت من خودم دفعه اولمه عمل قلب انجام می دم. این پنس که می گن کدومه؟

یک معلم بازنشسته ادبیات:  
چون حافظم ضعیف شده رفتم دکتر و گفتم سلام علیکم، یک کاغذ از توی جیبش در آورد و اون رو نگاه کرد و گفت: علیک سلام!

داداش بزرگه:  
سر سفره از داداش کوچیکه خواستم برام یک لیوان آب بیاره، گفت: من خودمم تشنمه، برای رفع تشنگی دارم ماست می خورم.